

پاسخی به اظهارات ارتشبد قره باغی

اینجانبه منیژه رحیمی (سطوتی) همسر مرحوم تیمسار سپهبد رحیمی لازم می دانم آنچه را که شاهد و ناظر بوده ام به اطلاع برسانم تا این که خوانندگان در حد شهادت افراد به حقیقت و چگونگی این واقعه جان گذار تاریخ ایران پی برند.

۱- از اوایل دیماه ۵۷ طبق دستور تیمسار قره باغی رئیس ستاد بزرگ ارتشداران کلیه امرای شاغل ارتش وظیفه داشتند از ۸ صبح تا آخرین ساعات شب در اتاق کمیسیون امنیت ملی حضور یابند و بدون هیچگونه ارتباط تلفنی با خارج در آن محل باقی بمانند. در ۲۲ بهمن تیمسار وحدت (فعلاً مقیم فرانسه) و مرحوم شهید تیمسار ناجی در مکالمه تلفنی به بنده اظهار داشتند که کلیه کلاتریهای تهران تسلیم شده اند و ما قادر نیستیم این مراتب را برای کسب تکلیف به تیمسار رحیمی اطلاع دهیم و از من خواستند که این موضوع را تلفنی به تیمسار رحیمی اطلاع دهم و من سعی خود را نمودم و موفق نشدم و هنگامی که از نفر مسئول علت آنرا پرسیدم ایشان به من گفت چون خواهر شما همسر دکتر فاطمی وزیر خارجه مصدق بوده و ممکن است با استفاده از وضع موجود اعتشاش ایجاد کند دستور دارم از هرگونه ارتباط تلفنی با شما جلوگیری کنم.

بنابراین امرای ارتش در آن روز عملاً در کمیسیون امنیت ملی

محبوس بودند و همه آنها کت بسته تحویل فاتلین مسلح خود شدند. فقط تیمسار رحیمی که مسئول فرماندار نظامی، شهربانی کل کشور و لشکر گارد بود در آخرین ساعت روز ۲۲ بهمن برای اطلاع از وضع و جلوگیری از کشتار بیهوده به میدان سپه که محل شهربانی کل و فرماندار نظامی بود رفت و تنها امیری بود که خارج از کمیسیون امنیت ملی دستگیر شد.

۲- تیمسار شهید امینی افشار از دوستان نزدیک قره باغی بود و چندین بار اظهار داشت که تیمسار قره باغی کلیه افراد خانواده و اسباب و اثاثیه خود را با هواپیمای نظامی هفته ها قبل از ۲۲ بهمن به پاریس فرستاده است چون منزل ارتشی خود را مدتها پیش تخلیه نموده بود و دیگر خانه ای نداشت که آخوندها غارت کنند چنانچه خانه و زندگی کلیه امرای ارتش را بعد از قتل آنها، غارت کردند بطوری که این جانبه جز لباسی که به تن داشتم دیگر هیچ نداشتم و آنچه را که دیگران به من گفتند شخصاً نیز شاهد بودم و قبل از ۲۲ بهمن برای دیدار به منزل تیمسار قره باغی رفتم و دیدم خانه ارتشی ایشان به کلی تخلیه شده است.

۳- تیمسار قره باغی تنها امیر شاغل بود که نه تنها کشته نشد بلکه با حمایت مهندس بازرگان و تأیید «امام» تا اواسط سال ۵۹ در تهران بسر می برد و ظاهراً این حمایت و امنیت بازرگان و «امام» را با وساطت آقای مهندس... از پاریس به دست آورده بود.

۴- تیمسار شهید بدره ای در روز ۲۳ بهمن ساعت ۶ صبح در پشت میز کارش نزدیک کمیسیون امنیت ملی که دیگر وجود نداشت به دست افراد نظامی محافظ خود به شهادت رسید و آخوند و پاسدار در کشتن این افسر وطن پرست مسئولیت مستقیم نداشتند.

۵- آنچه در مورد گفته ها و نظرات مرحوم تیمسار رحیمی در روزنامه کیهان از جانب تیمسار قره باغی انتشار یافته با واقعیت امر مطابق نیست. در آخرین ساعات روز ۲۲ بهمن جلسه مصاحبه و

بازجوئی از تیمسار رحیمی و تیمسار نصیری با شرکت دستیاران مؤمن و صمیمی امام ولی فقیه آقایان محترم حاج سید جوادی، شیخ خلخالی، ابراهیم یزدی و لاهوتی و غیره تیمسار صریحاً اظهار داشت که به سوگند سربازی خود وفادار است و متعهد است که تا آخرین نفس از میهن و نظام سلطنتی حمایت نماید و به همین وجه مرتکب قتل نشده و نخواهد شد چون خود را جزئی از ملت ایران می شناسد و بنابراین هرآنچه به تیمسار سپهبد رحیمی در خاطرات تیمسار قره باغی نسبت داده شده ساخته و پرداخته ایشان است که کوشیده اند از این طریق در پایان عمر و در بستر بیماری خود را از زیر بار این اتهام سهمگین و جان فرسا یعنی آنچه را که همه ایرانیان می گویند و خواهند گفت نجات بخشند.

● کیهان لندن، ۲۰۰۱

www.iran-archive.com

دو اشاره «بیطرفی» و یا «تسلیم ارتش»

گرچه دفتر عمر ارتشبد قره باغی به پایان رسید ولی حکایت تسلیم ارتش همچنان باقیست، روزهایی که ارتشبد قره باغی در بیمارستان بستری بود، سلسله مطالبی در کیهان لندن درباره چگونگی دوران اختفای تیمسار و سپس فرارش از ایران به چاپ می رسید که پس از مرگش نیز مدتی درج آن ادامه یافت تا به پایان رسید که در نوع خود جالب بود، وقتی آنها را خواندم با توجه به شرح وقایع دوران اختفا و چندین بار تغییر محل مخفیگاه و مراجعه به دندانپزشک و تماس های مکرر و مرتب تلفنی در داخل و با پاریس، موضوع را قابل طرح و پاسخگویی نیافتم، چون با توجه به فرمان خمینی با وجود ۲۰ میلیون جاسوس و جو و فضای حاکم آن زمان، قابل قبول نمی توانست باشد که تیمسار مدت ها با آن کیفیت مخفی شده باشد و رژیم در جستجوی او که در واقع جانشین شاه در ارتش بود بر نیاید. کافی بود مأمورین رژیم، راننده تیمسار را بازداشت و شکنجه می کردند تا از محل اولین اختفای ایشان اطلاع حاصل نمایند.

صرف نظر از آنچه درباره نقش تیمسار و همکاری اش با رژیم آخوندی در نشریات داخل و خارج، بخصوص در رسانه های کشورهای غربی منعکس شده است تا آنجا که در بعضی از این نوشته های خارجی وی را بعنوان عضو شورای انقلاب و حتی بازپرسی از همکارانش معرفی کرده اند. اصولاً منطقی و معقول نیست که رژیم یکسال و اندی تیمسار را به حال خود رها سازد، مگر این که کاسه ای زیر نیم کاسه باشد. آنچه

مرا واداشت بار دیگر به این موضوع پردازم، دو بریده روزنامه اطلاعات بود که در یکی از آنها موضوع بی طرفی ارتش مطرح شده بود و در دیگری اولین نطق بازرگان در تلویزیون بعنوان نخست وزیر، که روشنگر تسلیم ارتش است (فتو کپی هر دو در پایان این نوشته آمده است). توجه به بیطرفی از مدتی پیش مطرح بود ولی آقای قره باغی با اصرار و تأکید گفته اند که سرنوشت و اعلام بیطرفی صرفاً در طی جلسه فرماندهان در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ رقم زده شد و هیچ مقدمه و توافق قبلی مطرح نبوده است. ایشان در (صفحه ۹۴ کتاب گفتگوهای ارتشبد قره باغی) می گویند: در آن زمان برای ارتش سه راه حل بیشتر وجود نداشت.

راه حل یکم: مقابله با شدت عمل با مردم که نتیجه اش خونریزی قوق العاده و جنگ داخلی و برادر کشی و... بود.

راه حل دوم: همبستگی با خمینی که هیچیک از مقامات مذکور با این راه حل نیز موافق نبودند.

راه حل سوم: بیطرفی ارتش در مناقشات سیاسی بود... ولی شواهد و اسناد (نمونه ای که همراه است) و همچنین در برخی نوشته های آمده در این کتاب قابل بررسی است و نشان می دهد که تسلیم ارتش به آیت الله خمینی با ظاهر آبرومندانة «بیطرفی» بدون سابقه نبوده است.

دیگری مربوط به اظهارات آقای مهدی بازرگان در اولین سخنرانی تلویزیونی اش در مقام نخست وزیر است که ایشان شب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چنین گفته اند: «بسم الله الرحمن الرحیم، چون اولین حضور و ظهور بنده در تلویزیون ایران است... خوشوقتم بدینوسیله به ملت مبارز و مسلمان ایران که امروز در راه پر پیچ و خم و پرگردنه انقلاب نجات بخش خود با شنیدن اعلامیه مورخ ۱۳۵۷، ۱۱، ۲۲ شورای عالی ارتش به پیروزی دیگری نائل شده است تبریک بگویم، در این تصمیم امراء ارتش، بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواست های ملت با کمال قدرت نموده اند و تیمسار ریاست ارتش در ملاقات حضوری، همکاری

خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمودند...» (نقل از روزنامه اطلاعات شماره ۱۵۷۸۲ دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۷).

این سخنان مهندس بازرگان نشان می دهد که آقای قره باغی برخلاف آنچه که در کتاب ها و مصاحبه ها و روزنامه ها به تکرار عنوان کرده اند که با بازرگان هیچ زمان هیچگونه رابطه ای نداشته است، مغایرت دارد. این دیدار اگر قبل از اعلام بیطرفی صورت گرفته باشد، سازش او با رژیم آخوندی و فراهم ساختن زمینه برای صدور اعلامیه بیطرفی را تداعی می کند و چنانچه بعد از انتشار اعلامیه بیطرفی از ساعت یک و نیم بعد از ظهر ۲۲ بهمن به بعد انجام گرفته باشد مغایر با گفته های تیمسار است که در شرح ماجرای فرار عنوان کرده اند که صبح روز ۲۳ بهمن به قصد رفتن به ستاد از منزل خارج شده و بدلیل شلوغی جاده در مقابل منزل اردشیر مدتی معطل مانده و سپس به منزل او رفته و دوران اختفا را آغاز کرده اند. از طرفی سرهنگ توکلی که به مدت پنج روز ریاست نیروهای انتظامی را بعهده داشته است در نشریه نيمروز شماره ۲۰۶ به تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۷۹ چند نکته را برای اولین بار فاش می کند و از جمله می گوید تیمسار قره باغی و عده ای از افسران آمریکائی به اتفاق افسران ایرانی در زیر زمین ستاد کل مخفی شده بودند و شرح می دهد که چگونه به اتفاق دکتر یزدی، افسران آمریکائی و ایرانی را در شب اول انقلاب از مخفیگاه نجات داده و تا خانه هایشان اسکورت کرده اند.

اظهارات سرهنگ توکلی با آنچه که سپهبد صانعی در کیهان چاپ لندن (شماره های ۹۴۱ و ۹۴۲) ابراز داشته تناقض دارد. سپهبد صانعی میگوید: ارتشبد قره باغی باتفاق سپهبد حاتم و سپهبد مقدم آئش (۲۲ بهمن) در ستاد نیروی زمینی در لویزان ماندند و معلوم نشد از آن پس به کجا رفتند. در واقع هر سه نفر مؤثر در تنظیم اعلامیه بی طرفی از دیگران جدا شده و در جایی غیر از ستاد بزرگ ارتش داران بسر می برده اند.

نتیجه: آقای مهندس بازرگان در اولین سخنرانی اش در مقام نخست وزیر خمینی می گوید: تیمسار ارتشبد قره باغی در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمودند...

سرهنگ توکلی مدعی است که تیمسار در زیر زمین ستاد کل مخفی بوده است و... سپهد صانعی می نویسد که قره باغی در شب ۲۲ بهمن در لویزان بوده است.

تیمسار قره باغی بدون کوچکتری اشاره به این گفته ها، ادعا می کند که قصد رفتن به ستاد را داشته است و دنباله ماجرا...

که بررسی این مطالب و گفته ها، تمام نوشته ها و گفته های تیمسار را در طول این سال ها زیر سؤال می برد که اگر آقای بازرگان و سرهنگ توکلی درست می گویند چرا تیمسار در این مدت اقامت در خارج در هیچ یک از گفته ها و نوشته ها، کوچکترین اشاره ای به آنها نکرده است و کراً منکر ملاقات با بازرگان شده اند. ممکن است گفته شود حال که تیمسار در قید حیات نیست طرح این مطالب صحیح و منطقی نمی باشد چون او نمی تواند به آنها پاسخ دهد در این مورد باید عرض کنم که این مطالب تازگی ندارند که احتیاج به پاسخگوئی داشته باشند، زیرا ایشان در زمان حیاتشان به آنها پاسخ داده اند که مورد قبول افکار عمومی واقع نشده است. حال ناچار باید قبول کنیم که یکی از دو نفر واقعیت را نگفته بازرگان در اولین سخنرانی اش در تلویزیون یا ارتشبد قره باغی.

● دیمه ۱۳۸۱، (ژانویه ۲۰۰۳)

بازرگان: مردم باید
دولت مهلت بدهند

اطلاعات

دوشنبه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۸۲



مهندس بازرگان رئیس دولت موقت انقلابی ملی یک پیام تلویزیونی که بیسب در تلویزیون ملی ایران ایراد شد چنین گفت:

بسم الله الرحمن الرحیم ، چون این اولین حضور و ظهور بنده در تلویزیون ایران است کلامم را با بسم الله شروع کردم و بعد سلام به کلیه بینندگان و شنوندگان شما بواسطه هجوم کارها و حوادث که این چند روزه اوضاع در عین حال سرت پوشش و ملی هیجان انگیز و از جهاتی خطرناک بوجود آورده مطالبم را از روی کافشه میخوانم : خوشوقت بین وسیله به ملت مبارز و مسلمان ایران که امروز در راه برپا و خیم و پرگشته انقلاب مجتاد پیش خود با شنیدن اعلامیه مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۲ شورای عالی ارتش به پیروزی دیگری مثال شده است شریک بگویم غیر این تصمیم امراء ارتش

اعلام بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواست های ملت با کمال قدرت و اعتماد و تیسار ریاست ستاد ارتش
در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت موقت اینجانب اظهار نمودند ، جا دارد از کلیه آقایان آسیران و سریاران نیز تشکر کنم چه آنها که عملاً اعلام همسگی میجویند ملی و بیرونی را در هر صورتی
انقلاب کرده به صفوف ملت پیوسته بودند و سهم بسزایی در این پیروزی داشتند و چه

سوزی ، آزار ، مخالفت ، تصرف نسبت به موسسات ارتشی و نیرو های انتظامی خودداری نمایند و از ساختمان ستاد رفع محاصره کنند بلکه عمارات و تاسیسات و تجهیزات ارتش و کلیه امور و عمارات دولتی و موسمی را که ملک طاق کشور و متعلق به مردم میباشد حفاظت نموده نگذارند اخلاکوران و بدخواهان و بیخردان خسارت و مزاحمت فراهم آورند .
 هموطنان عزیز لازم است

کسانی که با توجه به خطاین انقلاب ملی و امامت از انقلابی شورای عالی ارتش دست از ترفش مردم برداشته بخواهد های مربوطه بازگشتند از طرف دیگر به کلیه هموطنان عزیز و جوانان پرشور توصیه میکنم ، منتظر که امامت خدایتی ارتشیان را از ملت و ملت را از آسیران دانستند برادران آسیران و سریاران رفتار بنمایند و نه تنها از هرگونه حمله خرابکاری آتش

حوصله به خرج نده مهلت دهند تا دولت با فرصت و بصیرت و عدالت امور مملکت و موضع و مقام مسئولین را به جریان منجمد سازد بدینی است که در آشفتگی و هرج و مرج و دست پاچگی ننشاند کارها سرو سامان پیدا کرده صورت مطلوب نخواهد یافت ، بلکه خدای نکرده بهتر از گذشته و محسب تبار خواهد شد با مرض تشکر و سلام ارادتمندانه و دوستانه ،
 مشکرم .

اطلاعات

دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ - شماره ۱۵۷۷۷

تماس با نمایندگان ارتش تشویق آمیز بوده است

دروازه و فاداری ارتش ملش شوند چون بنظر ایشان ارتش نباید نقشی غیر از دفاع از مرز های کشور داشته باشد ، تماس های که تاکنون با نمایندگان ارتش حاصل شده است تشویق آمیز بوده است ، بنابه گفته بنی صدر حمایت کنندگان ارتشی آیتالله هنوز در اقلیت هستند ولی تعداد آنان در بین سریاران و وظیفه مادی بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است .

پاریس - یونایتد پرس - یکی از نزدیکان حضرت آیتالله العظمی خمینی ملی مصاحبه ای ادعا کرد که طرفداران شاه در ارتش ایران برنامه ای برای باز بین بردن طرفداران خمینی طرح ریزی کرده اند ، حذف این محتمل متقابل این است که طرفداران ارتشی آیتالله را و انداز به عقبنشینی کنند - او افزود آیتالله خمینی خواستار بیطرفی ارتش هستند و میخواهند

A. GHARABAGHI,

"THE IMPARTIAL
GENERAL"

www.iran-archive.com

ADRESSE :

SAHAND - SHARIFI R.
B.P. N° 384
75723 PARIS CEDEX 15

SAHAND